

به نام خدا

www.ketab.ir

کیمیای عشق

جلد اول

غزلیات خیری اهوازی

خیری اهواری، عبدالغنی، ۱۳۱۳ -
کیمیای عشق / عبدالغنی خیری اهواری.

مشهد: شاملو، ۱۳۹۳.

۲۷۲ص.

۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۴۸۴-۲

فیبا.

شعر فارسی -- قرن ۱۴.

۱۳۹۳ ۹۴۴ کی PIR۸۳۴۲

۸۵۱/۶۲

۳۴۸۷۲۵۳

کیمیای عشق

عبدالغنی خیری اهواری

لیتوگرافی: آفاق

چاپخانه: مهرتوس

چاپ اول، زمستان ۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۴۸۴-۲

انتشارات شاملو

تلفن: ۳۲۲۱۰۸۵۷ (۰۵۱) - همراه: ۰۹۱۵۱۱۱۵۶۰۸

shamlo.pub@gmail.com

www.shamloo-pub.com



نشر شاملو

فهرست

۱۳	 مقدمه
۱۵	 گیسو پریشان
۱۶	 جام دوستی مَشکن!
۱۷	 زیر سایه‌ی عشق
۱۸	 بار من، شعر من
۱۹	 کیمیای عشق
۲۰	 خون‌بهایی عشق
۲۱	 بلا و فتنه
۲۲	 خوان شعرا
۲۳	 اشتباه دل
۲۴	 سرای خالی
۲۵	 نسیم سحر
۲۶	 غزل خداحافظی
۲۷	 حسرت دیدار!
۲۸	 غمنامه‌ی زندگی!
۲۹	 وسوسه‌ی دل
۳۰	 دختر گیلانی «چراغ اشک»
۳۱	 شمع دل‌افروز
۳۲	 آن‌همه چه شد؟
۳۳	 من عاشق گیلانم
۳۴	 هجرت
۳۵	 بیا بهار آمده
۳۶	 شوخی بی‌جا
۳۷	 دستِ تمنا
۳۸	 تفاوت از زمین تا
۳۹	 در سخن
۴۰	 بهاران
۴۱	 مرغ خار
۴۲	 گهر اشک
۴۳	 گنج اسرار
۴۴	 بوسه‌ی شور
۴۵	 غصه‌ی جاودانه

۴۶	صہمای عشق
۴۷	فریب
۴۸	نیلوفر مرداب
۴۹	بوی بہاران
۵۰	اشک گل
۵۱	آندوہ گساران
۵۲	در کویر زندگی
۵۳	جام ترک خوردہ عشق!!
۵۴	اسیر قفس
۵۵	معمای عشق
۵۶	مَرچبا دل
۵۷	اشک شمع
۵۸	خواب سحر
۵۹	دعای نیمہ شب
۶۰	عقدہ ی دل
۶۱	بوسہ ی عشق
۶۲	عمر دوبارہ
۶۳	تنہا منبع نور «خدا»
۶۴	گُشتہ ی عشق
۶۵	چشم انتظار
۶۶	از ہوشنگ ضیاء دوست عزیزم
۶۷	بگذار بمیرم
۶۸	مہر و ماہ
۶۹	فروغ زندگی
۷۰	نامہ در خلوت شب
۷۱	داغدار دل!
۷۲	بَر مزار آرزو!
۷۳	بوی بہار می دہی
۷۴	موج سحر خیز
۷۵	پیمان عشق
۷۶	استغفار
۷۷	نیلوفر!!
۷۸	ساحل کارون
۷۹	افسر گل ہا

- ۸۰..... خدا را شناسی!
- ۸۱..... شبنم
- ۸۲..... تمنای بوسه
- ۸۳..... بخت بیدار
- ۸۴..... همسفر بهار
- ۸۵..... جز تو مرا بهار نیست
- ۸۶..... دختر گیلانی
- ۸۷..... پیری و دل خیره‌سرا!
- ۸۸..... دل جوان داری اگر
- ۸۹..... ای دل، ای دل
- ۹۰..... خطا کردم، خطا کردم!!
- ۹۱..... در سوگ عزیز از دست رفته!
- ۹۲..... در سوگ پدر!!
- ۹۳..... سرمست عشق
- ۹۴..... یار و ز پریده!
- ۹۵..... غم!
- ۹۶..... عشق حلال
- ۹۷..... چاره‌ی من چیست؟
- ۹۸..... در بستر عشق
- ۹۹..... درگیر با عشق
- ۱۰۰..... مرگ کمال!
- ۱۰۱..... سرانجام عاشقی
- ۱۰۲..... قصه‌ی عشق
- ۱۰۳..... فسونگر مژگان سیاه
- ۱۰۴..... مرد گلچین
- ۱۰۵..... کلبه‌ی عشق
- ۱۰۶..... تصویر کبود!
- ۱۰۷..... غم پنهان!
- ۱۰۸..... باز یگران عشق
- ۱۰۹..... دوست
- ۱۱۰..... عاشقی زیباست
- ۱۱۱..... راز مرا عیان مکن
- ۱۱۲..... عقده‌گشایی
- ۱۱۳..... سر در گریبان!

- ۱۱۴..... تمنای وصال
 ۱۱۵..... به مثال تو در این دنیا نیست!
 ۱۱۶..... فریاد رس
 ۱۱۷..... مردم آزاری مکن!
 ۱۱۸..... هر چه می‌خواهی بگو
 ۱۱۹..... خلوت تنهایی
 ۱۲۰..... همیشه دوست دارم
 ۱۲۱..... هم‌صدایی...
 ۱۲۲..... مرغ عشق
 ۱۲۳..... بهار و سبزه به در
 ۱۲۴..... خنده‌ی دختِ فریبا، چشمِ زیبای پریسا...
 ۱۲۵..... آسوده کسی که...
 ۱۲۶..... شراب تلخ...
 ۱۲۷..... هدایت...
 ۱۲۸..... سرو روان!
 ۱۲۹..... رسوای عشق!
 ۱۳۰..... «فاطمه» (ع)
 ۱۳۱..... با ترانه، با غزل...
 ۱۳۲..... ساغر شکسته!
 ۱۳۳..... وفای خوبان...
 ۱۳۴..... برگ خزان دیده!
 ۱۳۵..... تو مرو!
 ۱۳۶..... حسرت دل...
 ۱۳۷..... به شوق هدایت...
 ۱۳۸..... بیمارِ عشق!
 ۱۳۹..... نرگس شیراز...
 ۱۴۰..... عقده دل...
 ۱۴۱..... نگار نازنین...
 ۱۴۲..... بهار بی‌رونق!
 ۱۴۳..... دل دیوانه!
 ۱۴۴..... آزادگان...
 ۱۴۵..... «کولی» دختر گُل فروش...
 ۱۴۶..... رسم تجرد...
 ۱۴۷..... «شهر باران» = رشت

۱۴۸.....	لاله‌ی خَمرا.....
۱۴۹.....	دنیا و عُقبی.....
۱۵۰.....	سنگِ صبور.....
۱۵۱.....	غرقِ گناه!.....
۱۵۲.....	دوستِ بیمار!.....
۱۵۳.....	آینه‌ی عشق.....
۱۵۴.....	گُل افشانی.....
۱۵۵.....	ساحلِ عشق.....
۱۵۶.....	بسمه تعالی.....
۱۵۷.....	نگین.....
۱۵۸.....	رَه عشق.....
۱۵۹.....	گدا.....
۱۶۰.....	محرمِ راز.....
۱۶۱.....	مشاعره با ضیا.....
۱۶۲.....	تشنه‌ی عشق.....
۱۶۳.....	خورشید کی خواهد دمید؟.....
۱۶۴.....	دلَم گرفته!.....
۱۶۵.....	چشم به راه.....
۱۶۶.....	خدا می‌داند.....
۱۶۷.....	شطرنجِ عشق.....
۱۶۸.....	دست نوازِ شگر.....
۱۶۹.....	بُتِ فِرخار.....
۱۷۰.....	راهی شیراز.....
۱۷۱.....	سایه‌ی مژگان.....
۱۷۲.....	در حسرتِ یاران.....
۱۷۳.....	های و هوی دل.....
۱۷۴.....	مگر ای اشکِ عُقده بگشایی!!.....
۱۷۵.....	چشمه‌ی نوش.....
۱۷۶.....	سرابِ آرزوها.....
۱۷۷.....	شبِ مهتاب و ساحلِ کارون.....
۱۷۸.....	عُقده‌ی غم.....
۱۷۹.....	خوشه‌ی پروین.....
۱۸۰.....	چه زیبا می‌فریذ!.....
۱۸۱.....	بهار و گل.....

- ۱۸۲..... دیوار مرگ.....
- ۱۸۳..... بهانه از کیست؟.....
- ۱۸۴..... افسونگر!.....
- ۱۸۵..... پیمان عشق.....
- ۱۸۶..... ناز مکن، ناز مکن.....
- ۱۸۷..... سرود عشق.....
- ۱۸۸..... کمند شعر.....
- ۱۸۹..... گنج در ویرانه!.....
- ۱۹۰..... نور عشق.....
- ۱۹۱..... چنگ غم.....
- ۱۹۲..... دلشکسته!.....
- ۱۹۳..... بی تو چه خواهد بودن؟.....
- ۱۹۴..... تمنای دل.....
- ۱۹۵..... بد نام عشق.....
- ۱۹۶..... باورم آید.....
- ۱۹۷..... شهادت و شریک.....
- ۱۹۸..... طبل مرگ!!.....
- ۱۹۹..... در مدح علی (ع).....
- ۲۰۰..... زنگار دل!.....
- ۲۰۱..... پیمان شکن!!.....
- ۲۰۲..... راز و نیاز.....
- ۲۰۳..... طلوع فجر آزادی.....
- ۲۰۴..... شهید عزیز مادر!.....
- ۲۰۵..... تنگ شراب.....
- ۲۰۶..... بهار غم!!.....
- ۲۰۷..... یا محمد(ص).....
- ۲۰۸..... زلزله‌ی رودبار گیلان!.....
- ۲۰۹..... سیر نمی‌شوم ز تو.....
- ۲۱۰..... مرغ غزلخوان.....
- ۲۱۱..... یار سفر کرده.....
- ۲۱۲..... پائیز بهار عارفان.....
- ۲۱۳..... راز و نیاز - وای بر من.....
- ۲۱۴..... تو بهار دوست.....
- ۲۱۵..... می‌سوخت دلم!.....

۲۱۶	در رهگذر عشق
۲۱۷	شور و حال عشق
۲۱۸	عروس عشوه‌گر
۲۱۹	جانانه‌ای باید مرا
۲۲۰	عید اعظم
۲۲۱	شیکوه از یاران!!
۲۲۲	دستِ نیاز
۲۲۳	فتنه و مخمضه!
۲۲۴	راز و نیاز - «گوش به فرمان»
۲۲۵	گل یاس
۲۲۶	زهایی دل
۲۲۷	عشق آمد
۲۲۸	تصویری از زندگی
۲۲۹	ساحل کارون
۲۳۰	دلجویی
۲۳۱	سنگ صبورم
۲۳۲	گِلِه
۲۳۳	چهره‌ی سبز زندگی
۲۳۴	همه از عشق
۲۳۵	طبع خودخواه!
۲۳۶	از چه رو
۲۳۷	تیر مُراد
۲۳۸	دل بلهوس!
۲۳۹	در پرده‌ی غیب
۲۴۰	رها کن گله‌ها را
۲۴۱	دنایای جنون
۲۴۲	در سوگ آرش!
۲۴۳	نوبهار باید و نیست!
۲۴۴	فرصت دیدار
۲۴۵	آب کوثر
۲۴۶	شیشه‌گر
۲۴۷	مشاعره با استاد شیشه‌گر
۲۴۸	مهر گیا
۲۴۹	ادیب نکته‌سنج

۲۵۰		بر تربت حافظ شیرازی
۲۵۱		خزان عشق
۲۵۲		ساحل نجات
۲۵۳		«خیری»
۲۵۴		در کشور ما نور خدا گشته نمایان
۲۵۵		نوعروس گیلانی
۲۵۶		افسوس که تو بی هنری!
۲۵۷		مهاجرت دوست
۲۵۸		خواب و رؤیا
۲۵۹		مهمان نواز
۲۶۰		در سوگ «میرسامان»
۲۶۱		شراب نگاه
۲۶۲		وفای گل ندیدم!
۲۶۳		پرنده‌ی عشق
۲۶۴		صحرای جنون
۲۶۵		باور نداشتم!
۲۶۶		حکایت دل
۲۶۷		ره آورد سفر شیراز
۲۶۸		راز و نیاز
۲۶۸		آغوش نوازشگر
۲۶۹		برق نگاه
۲۶۹		باده عشق
۲۷۰		پیمان ما چه شد؟
۲۷۰		نیازمند بوسه
۲۷۱		پرستوی سفر کرده
۲۷۱		غرق دریای هوس
۲۷۲		دروازه‌ی عشق
۲۷۲		عشق لایزال

مقدمه

«شعر، کهنه و نو ندارد، آنچه مهم است، مضمون است که حامل پیام، خیال و تصویر است».

نیما یوشیج

عبدالغنی خیری اهوازی فرزند عبدالنبی و متولد ۲۰ شهریور ۱۳۱۳ در اهواز. تحصیلات وی به ترتیب: مدرک دیپلم دانشسرای مقدماتی اهواز، دیپلم ششم ادبی و فوق دیپلم علوم انسانی مشهد مقدس می‌باشد. از سال ۱۳۳۴ در اهواز استخدام و تا پایان سال ۱۳۷۳ به عنوان دبیر دبیرستان‌های اهواز و حدود یازده سال هم در مشهد به تدریس پرداخته است. علت انتخاب تخلص «خیری» در اشعارش به شرح ذیل است:

چون نام گل است و خصب نعمت	این واژه جاسان فخرای خیری
زین رو به جریده‌های شعرم	گردیده تخلصم به «خیری»

«خیری» در اشعار زیادی از شعرای بنامی همچون سعدی شیرازی و پروین اعتصامی و همچنین در متون فارسی میانه و اوستایی به معنای گل (زرد و سرخ) آمده است.

گر از حق نه توفیق خیری رسد کی از بنده خیری به غیری رسد؟

سعدی شیرازی

خیری و خطمی و نیلوفر بستان افروز

همچنان است که بر تخته دیبا، مینا

سعدی شیرازی